

دکتر محمود سلجوقی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

**تقسیم ناپذیری در حقوق  
و تعهدها**



پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پرتال جامع علوم انسانی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ● مقدمه

در برخی موارد در تعهدهایی که موضوع آنها از چند چیز تشکیل شده یا هر طرف از چند شخص تشکیل یافته باشد، برحسب ضرورت، این پرسش پیش می‌آید که آیا تعهد می‌تواند به اقتضای تعدد موضوع یا به تعداد اشخاص طرف عقد به چند تعهد تقسیم گردد یا نه؟ این بحث بخصوص هنگامی ضرورت می‌یابد که اجرای قراردادی یا به لحاظ تخلف و یا به جهات دیگر بدون اجرا می‌ماند، یا اگر اجرای آن آغاز شده است تا پایان ادامه نمی‌یابد و متعهدله برای طرح دادخواست به تمامی متعهدها دسترسی ندارد یا اگر به همگی آنها هم دسترسی دارد مراجعه به همگی آنها را مفید نمی‌داند.

بحث تقسیم‌پذیری<sup>۱</sup> تعهد در حقوق ایران تحت عنوان «انحلال

عقد واحد به عقود متعدد» دارای سابقه است. برحسب این سابقه «در صورتی که عقد بین دو نفر واقع شود و مورد معامله، واحد غیرقابل تجزیه باشد، عقد بسیط و غیرقابل انحلال است، مانند آنکه کسی میزی را در مقابل صندلی به دیگری بفروشد؛ ولی هرگاه طرفین عقد بیش از دو نفر یا مورد معامله، متعدد و یا قابل تجزیه باشد بطوریکه هر قسمتی از آن را بتوان مستقلاً تقویم نمود، عقد مزبور قابل انحلال به عقود متعدده می باشد».<sup>۲</sup> در این نظریه — آن طور که ملاحظه می شود — درباره تقسیم ناپذیری تعهد در صورت تجزیه ناپذیر بودن موضوع تعهد، یعنی تقسیم ناپذیری طبیعی، اشاره شده است، ولی درباره صور دیگر آن مانند تقسیم ناپذیری قراردادی اشاره ای دیده نمی شود.

در قوانین ایران درباره اینکه تعهدها در چه مواردی تقسیم ناپذیرند قاعده قانونی عام ملاحظه نمی شود و به جای آن قانونگذار هر جا که لازم دیده به تقسیم ناپذیری حق یا تعهدی تصریح کرده است، مانند تقسیم ناپذیری خیار عیب مندرج در قسمت اول ماده ۳۱ قانون مدنی یا تقسیم ناپذیر بودن مورد معامله شرطی در صورت انتقال قهری حق استرداد به وراثت بدهکار مندرج در تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت.

تقسیم ناپذیر بودن تعهد نه تنها می تواند بر اثر تجزیه ناپذیر بودن طبیعی موضوع تعهد باشد بلکه همان طور که در قراردادهای بین المللی مرسوم است، ممکن است در قرارداد به آن تصریح شده باشد و یا بتوان از قصد طرفین در انعقاد قرارداد آن را احراز کرد.

در این نوشته کوشش خواهد شد درباره موارد گوناگون تقسیم ناپذیری حقوق و تعهدها بررسیهایی هرچند به اجمال صورت گیرد.

۲. دکتر سید حسن امامی: حقوق مدنی، ج ۱ / ص ۵۱۰.

## تقسیم ناپذیر بودن تعهدی

### که متعهد آن بیش از یک شخص نیست

درباره تقسیم پذیر بودن این گونه تعهدها - در صورت تقسیم پذیر بودن موضوع آنها - در حقوق ایران این نظر ابراز شده است:

«در صورتی که اشیاء متعددی بدون آنکه قیمت هر یک جداگانه معین شود مورد عقد قرار گیرد عقد مزبور به اعتبار تعدد مورد، قابل انحلال به عقود متعدد می باشد.»<sup>۳</sup>

حقوقدان برجسته ای که نظر نقل شده از کتاب اوست چند سطر بعد امکان تجزیه چنین عقدی را در مورد خیار عیب، به استناد ماده ۴۳۱ قانون مدنی رد می کند و توجیه آن را مبتنی بر قاعده لاضرر می سازد.<sup>۴</sup> به موجب این ماده:

«در صورتی که در یک عقد چند چیز فروخته شود بدون اینکه قیمت هر یک علیحده معین شده باشد و بعضی از آنها معیوب درآید، مشتری باید تمام را رد کند و ثمن را مسترد دارد یا تمام را نگاه دارد و ارزش بگیرد و تبعیض نمی تواند بکند مگر به رضای بایع.»

نظری که درباره تقسیم ناپذیر بودن خیار عیب به استناد ماده ۴۳۱ قانون مدنی داده شده نظری است که می تواند، برخلاف نظریه تقسیم پذیری این نوع عقود، تعمیم داشته باشد. و می توان گفت موجبی نیست که تصور شود این گونه عقود تنها به اعتبار تعدد مورد عقد، قابل انحلال و تجزیه به عقود متعددی باشند. چنین تجزیه ای در صورتی

۳. همان مأخذ.

۴. همان مأخذ.

جایز است که قصد طرفین در موافقت با آن - همان گونه که دربارهٔ  
خیار عیب از سوی قانونگذار فرض شده است - به طریقی قابل احراز  
باشد.

هنگامی که چند چیز با هم یا چیزی قابل تقسیم یکجا مورد یک  
عقد قرار می‌گیرند ظاهر امر نشان می‌دهد قصد طرفین آن بوده است که  
تکلیف آنها با هم و یکجا تعیین گردد و معلوم نشدن قیمت جداگانه برای  
هر یک یا هر جزء، خود نشان‌دهندهٔ چنین قصدی است. بنابراین قابل  
انحلال شناختن چنین عقدی، جز در صورت وجود دلیلی خاص،  
برخلاف این قصد است، خاصه آنکه قابل انحلال شناختن این گونه  
عقدها به چند عقد این دشواری را سبب می‌شود که قیمت آن در این  
چند عقد نامعین گردد و حال آنکه این قیمت در عقد اصلی معین  
است. گذشته از جهات یاد شده این نکته نیز روشن نیست که قائلان به  
تقسیم پذیر بودن این عقدها آیا آنها را خودبه‌خود قابل تجزیه می‌دانند، یا  
برای هر طرف این اختیار را قائل اند که آنها را در وقت ضرورت به  
تشخیص خود به تعداد اجزا تجزیه کنند، یا آن را در صلاحیت دادگاه  
تلقى می‌کنند، و یا سرانجام آنکه تجزیه را منوط به موافقت طرفین  
می‌نمایند. دربارهٔ قابل تجزیه بودن عقد بنا به موافقت طرفین تردید نیست،  
اما دربارهٔ سه حالت دیگر بطلان نظر آشکار است. مؤید این نظر  
مندرجات مادهٔ ۲۷۷ قانون مدنی است به این عبارت:

«متعهد نمی‌تواند متعهد له را مجبوره قبول قسمتی از موضوع تعهد  
نماید، ولی حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون، مهلت عادلانه یا  
قرار اقساط دهد.»

بطوریکه دیده می‌شود قانونگذار، در این ماده، به احترام قصد و  
رضای طرفین، تعهد را قابل تجزیه ندانسته و حتی برای قاضی اختیار آن  
را نشناخته است.

اندیشهٔ تقسیم‌ناپذیری تعهد در مادهٔ ۴۴۱ قانون مدنی، در خیار

تبعض صفتقه نیز دیده می شود. برحسب این ماده:

«خیار تبعض صفتقه وقتی حاصل می شود که عقد بیع نسبت به بعض مبیع به جهتی باطل باشد. در این صورت، مشتری حق خواهد داشت بیع را فسخ نماید یا به نسبت قسمتی که بیع واقع شده است قبول کند و نسبت به قسمتی که بیع باطل بوده ثمن را استرداد کند.»

در اینجا نیز ملاحظه می شود با آنکه بیع نسبت به قسمتی صحیح و تنها نسبت به قسمتی باطل بوده به تبع قسمت باطل برای مشتری درباره قسمت صحیح نیز اختیار فسخ شناخته شده است تا در صورت اعمال خیار از سوی او بیع به طور کلی از اعتبار بیفتد. و اگر در این ماده برای مشتری این اختیار نیز شناخته شده است که بیع را از حیث دو بخش صحیح و باطل آن به دو جزء تقسیم و نسبت به قسمت صحیح، مبیع را قبول کند، افزون بر آنکه در طریق تأکید بر تأثیر توافق طرفین در تجزیه تعهد می باشد، به لحاظ آن است که بیع در قسمت باطل از ابتدا نتوانسته دارای اثر قانونی گردد.

بنابر آنچه گذشت می توان گفت در عقودی که هر طرف آن بیش از یک شخص می باشد، ولو موضوع عقد قابل تجزیه باشد، خود عقد تجزیه ناپذیر است مگر آنکه طرفین در تجزیه آن توافق کنند. در این صورت، توافق جدید مکمل توافق پیشین خواهد بود.

از نظر حقوق مقایسه ای تقسیم ناپذیری تعهد در قانون مدنی فرانسه (ماده ۱۲۲۰) به این عبارت بازتاب یافته است:

«تعهد تجزیه پذیر باید به صورت تجزیه ناپذیر میان متعهد له و متعهد به اجرا گذارده شود، و تجزیه پذیری جز درباره ورثه آنان قابل اعمال نیست مگر...»

## تقسیم ناپذیری تعهدهایی

### که در آنها هر طرف پیش از یک شخص است

امکان اینکه در یک عقد دو یا چند شخص با هم طرف ایجاب یا قبول واقع شوند در ماده ۱۸۳ قانون مدنی به این عبارت انعکاس یافته است:

«عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد.»

این گونه تعهدها با تعهدهای نوع پیشین از این حیث متفاوت اند که در اینجا متعهدها متعددند؛ از این رو در بررسی آنها باید این عامل را هم در نظر گرفت که در هر طرف عقد، قصد و رضای دو یا چند شخص با هم جمع شده و یک طرف عقد را تشکیل داده است. بنابراین برای تعیین اینکه آیا یکایک آن دو یا چند شخص در ایفای تعهد دارای همان حقوق و تعهدهایی است که جمع آنها می تواند داشته باشد، یعنی تعهد تقسیم ناپذیر است یا تقسیم پذیر، باید از یک سو موضوع عقد را در نظر آورد که آیا می توان آن را غیر قابل تقسیم به طور طبیعی دانست یا نه، و اگر از این حیث قابل تقسیم است آیا در قرارداد به مسؤلیت مشترک متعهدها در اجرای تعهد تصریح شده است، و اگر عقد از این حیث صریح نیست آیا می توان قصد و اراده ضمنی آنها را در اجرای تعهد به طور یکجا احراز کرد یا نه؟

به این ترتیب معلوم می گردد از حیث تقسیم ناپذیر بودن تعهد جمعی سه حالت قابل فرض است:

نخست، حالتی که در قرارداد به مسؤلیت مشترک متعهدها در



اجرای تعهد تصریح شده باشد.  
دوم، حالتی که قصد و رضای ضمنی طرفین در این باره از قرارداد قابل احراز باشد.

سوم، حالتی که موضوع تعهد بنا بر طبیعت خود قابل تقسیم نباشد.

پیش از آنکه درباره این سه حالت توضیح داده شود لازم است به این اصل اشاره شود که احترام به تعهدهایی که برحسب قانون به درستی انعقاد یافته باشند، چه در حقوق داخلی و چه در حقوق بین الملل، پذیرفته شده است. درباره نافذ و لازم الاتباع بودن عقود و قراردادها در دو ماده ۱۰ و ۲۱۹ قانون مدنی به ترتیب به این عبارتها تصریح شده است:

— «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است.»

— «عقودی که طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.»

بنابراین در اعتبار شرط مسؤولیت مشترک متعهدها در قرارداد یا احراز چنین مسؤولیتی به طور ضمنی از قرارداد نباید تردید کرد.

## ۱. تقسیم ناپذیری قراردادی صریح

اگر در قراردادی دو یا چند شخص با هم، به عنوان یک طرف قرارداد، تعهدی را برعهده بگیرند و با هر لفظی به مسؤولیت مشترک خود در اجرای تعهد تصریح نمایند چنین تعهدی، هرچند موضوع آن به طور طبیعی تقسیم پذیر باشد، باید تقسیم ناپذیر تلقی گردد. تصریح به مسؤولیت مشترک متعهدها در قرارداد به منزله آن است که هریک از آنها، افزون بر تعهد نسبت به سهم خود، اجرای تعهد متعهدهای دیگر را هم در برابر متعهدله ضمانت کرده است. بنابراین می توان گفت در این گونه

قراردادها از سوی هر متعهد در واقع دو تعهد برعهده گرفته می شود که هر دو لازم الاجراء و با یکدیگر قابل جمع اند. به همین دلیل متعهد له می تواند اجرای تعهد یا خسارات ناشی از عدم اجرای آن را نه تنها از مجموع متعهدها بلکه از هر یک از آنها یا بعض آنها، به انتخاب خود، مطالبه کند.

لفظی که به طور معمول در این باره در قراردادها نوشته می شود، در قراردادهای تنظیم شده به زبان فرانسه «solidairement et conjointement» و به زبان انگلیسی «Jointly and severally» است. به جای این الفاظ در قراردادی به زبان فارسی دو لفظ عربی مجتمعا و متضامنا به کار گرفته شده اند.<sup>۵</sup>

از زمره تعهدهای تقسیم ناپذیر قراردادی صریح می توان از سهام شرکتهای بازرگانی نام برد. در اساسنامه این گونه شرکتهای، به اقتضای تقسیم سرمایه بر سهام، واحد هر سهم تعیین می شود. حال اگر ضمن تعیین واحد سهم، به تقسیم ناپذیر بودن آن تصریح شده باشد، حقوق و تعهدهای مربوط به هر سهم، هر چند در مالکیت دو یا چند شخص قرار گیرد، تقسیم ناپذیر تلقی می گردد.

## ۲. تقسیم ناپذیری قراردادی ضمنی

این نوع تقسیم ناپذیری باید از شرایط تنظیم قرارداد و مندرجات آن و قصد و رضای طرفین در انعقاد آن احراز شود. در این حالت، با

۵. در بند ۲ ماده ۱۲ قرارداد شرکت نفت فلات قاره، میان شرکت ملی نفت ایران و چند شرکت نفتی امریکایی مورخ ۲۶ دی ماه ۱۳۴۳ این عبارت دیده می شود: «با وجود مقررات دیگر این قرارداد، شرکتهای عضو طرف دوم به شرح مذکور در مقدمه این قرارداد هر کدام مجتمعا و متضامنا مسؤول کلیه تعهدات و تأدیة کامل کلیه مالیاتها و عوارض و هرگونه پرداخت دیگری که به موجب این قرارداد مقرر گردیده است، خواهد بود.» (تاریخچه و متن قراردادهای مربوط به نفت ایران، ص ۱۴۴)

آنکه در قرارداد عبارتی صریح دربارهٔ مسؤلیت مشترک آنها در اجرای تعهد دیده نمی‌شود، ولی می‌توان گفت عمل جمعی آنها در ایجاب یک تعهد و قصدی که در آن نهفته است و بیان ارادهٔ مشترک از سوی آنها در اجرای آن، به‌طور ضمنی نشان‌دهندهٔ قبول چنین شرطی است، و از حیث روابط میان خود متعهدها نیز می‌توان این استنتاج را به‌عمل آورد که مشارکت آنها در انعقاد قرارداد، افزون بر ایجاد تعهد در برابر متعهدله، میان آنها شرکتی اختیاری پدید آورده است و چون این شرکت ضمن قراردادی الزام‌آور تحقق یافته حقوق و تعهدهای ناشی از آن تا اجرای آن قرارداد یا انحلال آن به‌جهتی قانونی تقسیم‌ناپذیر است (قسمت اخیر مادهٔ ۵۸۹ قانون مدنی).

برای مثال، دربارهٔ این نوع قرارداد می‌توان از قراردادی یاد کرد که در آن چند نفر پیمانکار احداث بزرگراهی را از یک نقطه به نقطهٔ دیگر با هم برعهده می‌گیرند. در این مثال چون قصد طرفین از انعقاد قرارداد ساخت همهٔ طول راه بوده، نه بخشی از آن و پیمانکاران نیز به‌طور گروهی مسؤلیت احداث آن را برعهده گرفته‌اند — هر چند به مسؤلیت آنها در قرارداد تصریح نشده باشد — می‌توان این مسؤلیت را ضمن قرارداد ملاحظه کرد و تعهد را تقسیم‌ناپذیر دانست، ولو خود پیمانکاران در خارج از آن قرارداد طول خیابان را میان خود تقسیم کرده باشند و هر یک از آنها ساخت بخشی از آن را برعهده گرفته باشد.

در قرارداد راجع به ساخت یک پل با چند نفر پیمانکار نیز می‌توان این حالت را مشاهده کرد، گو اینکه تعهد جمعی دربارهٔ ساخت پل را می‌توان به لحاظ تقسیم‌ناپذیر بودن طبیعی موضوع تعهد نیز تقسیم‌ناپذیر دانست.

### ۳. تقسیم ناپذیری طبیعی

تقسیم ناپذیری طبیعی آن است که موضوع تعهد جز به صورت تقسیم ناپذیر قابل تحقق نباشد و خود بر دو گونه است: تقسیم ناپذیری طبیعی نسبی و تقسیم ناپذیری طبیعی مطلق.

در تقسیم ناپذیری طبیعی نسبی در اصل، امکان تجزیه موضوع و ایفای تعهد راجع به آن به صورت مرحله به مرحله قابل نفی نیست، ولی با تعهد درباره کل آن در قرارداد، ایفای این تعهد جز به صورت کامل آن میسر نمی‌گردد، مانند تعهد ساخت یک خانه. در این مثال، اگر چند پیمانکار در یک قرارداد با هم متعهد گردند که خانه‌ای را بسازند و به کارفرما تحویل دهند، تعهد آنها را می‌توان به اقتضای تقسیم ناپذیری نسبی موضوع، قابل تقسیم ندانست. این نوع تقسیم ناپذیری بی‌شبهت به تقسیم ناپذیری قراردادی ضمنی که پیش از این به آن اشاره شد، نیست.

اما در تقسیم ناپذیری مطلق امکان تجزیه موضوع تعهد وجود ندارد، مانند تعهد چند پیمانکار درباره حفر چاهی عمیق که به اقتضای تقسیم ناپذیری مطلق یا ضرور موضوع تعهد باید آن را نیز تقسیم ناپذیر فرض کرد. تقسیم ناپذیری مطلق را در حق ارتفاق نیز می‌توان ملاحظه کرد، چنانکه قانونگذار نیز تقسیم ملکی را که در آن برای دیگری حق ارتفاق وجود دارد سبب تقسیم آن حق ندانسته است (ماده ۶۰۴ قانون مدنی).



### تقسیم ناپذیری به حکم قانون

همان‌طور که در مقدمه اشاره شد در مواردی به تقسیم ناپذیری برخی از حقوق و تعهدها در قانون اشاره شده است، مانند مواردی که در

سطور آتی به آنها اشاره می‌گردد:

### ۱. تقسیم ناپذیری خیار عیب در صورت تعدد مشتری

درباره این تقسیم ناپذیری در ماده ۴۳۲ قانون مدنی به این عبارت تصریح شده است:

«در صورتی که در یک عقد، بائع یک نفر و مشتری متعدد باشد و در مبیع عیبی ظاهر شود، یکی از مشتریها نمی‌تواند سهم خود را به تنهایی رد کند و دیگری سهم خود را نگاه دارد مگر با رضای بائع. و بنا بر این اگر در رد مبیع اتفاق نکردند فقط هر یک از آنها حق ارش خواهد داشت.»

بطوریکه ملاحظه می‌شود، در این ماده اختیار مشتری در اعمال خیار عیب در صورت تعدد آنها محدود و امکان تجزیه آن بنا به اراده یکجانبه یکی از آنها از هر یک از آنها سلب گردیده است مگر آنکه بائع به آن رضایت دهد.

در مورد تعدد بائع، برعکس حکم پیشین، قانونگذار در ماده ۴۳۳ آن قانون تقسیم پذیر بودن خیار عیب را به این عبارت شناخته است:

«اگر در یک عقد، بائع متعدد باشد مشتری می‌تواند سهم یکی را رد و دیگری را با اخذ ارش قبول کند.»

متفاوت بودن حکم این دو ماده به لحاظ آن است که در ماده ۴۳۲ خیار عیب، مشترک میان چند شخص است و حال آنکه در ماده ۴۳۳ دارنده آن از یک شخص بیشتر نیست؛ به این جهت در ماده اخیرالذکر دارنده خیار عیب هر یک از دو تصمیم را که بخواهد، می‌تواند آزادانه اتخاذ نماید.

آن کشور تعیین شده است. به موجب این دو ماده، تعهد تقسیم ناپذیر نسبت به ورثه تقسیم پذیر است و هر یک از آنها به نسبت سهم خود مسؤول ایفای آن می باشد مگر در پنج مورد. این موارد عبارتند از:

۱. در مورد دین همراه با وثیقه.
۲. در مورد تعهد راجع به چیز معین.
۳. در موردی که تعهد درباره ایفای یکی از چند چیز به انتخاب متعهد له و یکی از آن چیزها تقسیم ناپذیر باشد.
۴. در صورتی که یکی از ورثه، به نام، به عنوان مسؤول اجرای تعهد تعیین شده باشد.
۵. در صورتی که از طبیعت موضوع تعهد یا از انگیزه انعقاد قرارداد، این نتیجه حاصل شود که قصد طرفین بر ایفای جزئی تعهد نبوده است.

از حیث حقوق ایران این شرط که متعهد در قرارداد، شخصی معین از وراثت خود را به عنوان مسؤول اجرای تعهد، برای زمان پس از درگذشت خود تعیین نماید، می توان گفت بدون اشکال است. و چنین شرطی در حدود وصایای عهدی (جزء دوم ماده ۸۲۶ قانون مدنی) اعتبار دارد. این شرط در صورتی که در زمان حیات متعهد، از سوی شخص تعیین شده، رد نشود پس از درگذشت وی قطعیت می یابد (ماده ۸۳۴ قانون مدنی) و هزینه اجرای تعهد باید از محل ترکه تأمین گردد و در انجام هزینه مراعات حد ثلث لازم نیست، زیرا این هزینه را باید از دیون متوفی تلقی کرد (ماده ۲۲۵ قانون امرحسبی)؛ منتها اگر بر اثر اجرای تعهد، مالی عاید گردد آن مال باید میان ورثه تقسیم گردد.

در مورد تعهد راجع به ایفای چیزی معین نیز باید افزود وارثی که آن چیز نزد اوست دارای مسؤولیت است مگر آنکه آن چیز از ماترک باشد، که در این صورت، طرح دعوی تنها علیه او کافی نیست (ماده ۲۳۹ قانون امور حسبی).

## ۲. تقسیم ناپذیری خیار فسخ فروشنده، در بیع شرط، در صورت درگذشت یکی از دو طرف معامله

در بیع شرط ممکن است فروشنده یا خریدار پیش از انقضای مدت خیار، فوت کند. در این باره قانونگذار در دو قانون جداگانه به ترتیب زیر تعیین تکلیف کرده است:

در مورد تقسیم ناپذیری خیار فسخ فروشنده در صورت فوت خریدار شرطی در ماده ۴۶۲ قانون مدنی به این عبارت تصریح شده است:

«اگر مبیع به شرط به واسطه فوت مشتری به ورثه او منتقل شود حق فسخ با بیع در مقابل ورثه به همان ترتیبی که بوده است باقی خواهد بود.»

و در مورد تقسیم ناپذیری مبیع شرطی به اقتضای فوت فروشنده و انتقال حق استرداد او به ورثه در تبصره ۱ ماده ۳۴ مکرر قانون ثبت این عبارت قید شده است:

«انتقال قهری حق استرداد به وراثت بدهکار موجب تجزیه مورد معامله نخواهد بود.»

پرونده‌های علمی و مطالعات فرسنگی  
رتال جامع علوم انسانی

## ۳. تقسیم ناپذیری مال مورد وثیقه در صورت درگذشت مالک

در صورت فوت مالک مال مورد وثیقه و انتقال قهری آن به ورثه، مادام که آن مال از قید وثیقه آزاد نشده است، نمی‌توان به تقسیم آن مبادرت کرد، چنانکه حق تقدم مرتهن نسبت به مال مرهون مندرج در ماده ۲۲۷ قانون امر حسبی از نشانه‌های آن است.

از دید حقوق تطبیقی، تکلیف تعهدهای غیرقابل تقسیم پس از درگذشت متعهد، در حقوق فرانسه در دو ماده ۱۲۲۰ و ۱۲۲۱ قانون مدنی

#### ۴. تقسیم ناپذیری در مال مشترک

در ماده ۵۸۹ قانون مدنی، در فصل راجع به شرکت، به دو نوع تقسیم ناپذیری، یعنی تقسیم ناپذیری به لحاظ ممنوعیت قانونی و تقسیم ناپذیری به لحاظ التزام شرکاء بر آن، تصریح شده است به این عبارت:

«هر شریک المال می تواند هر وقت بخواهد تقاضای تقسیم مال مشترک را بنماید مگر در مواردی که تقسیم به موجب این قانون ممنوع باشد یا شرکاء به وجه ملزومی ملتزم بر عدم تقسیم شده باشند.»

تقسیم ناپذیری مال مشترک بر اثر التزام شرکاء بر عدم تقسیم را باید از موارد تقسیم ناپذیری قراردادی دانست، زیرا مانع تقسیم پذیری در آن، قرارداد لازمی است که طی آن شرکاء ملتزم بر عدم تقسیم مال مشترک شده اند. این التزام می تواند ضمنی باشد، چنانکه در مورد تقسیم ناپذیری قراردادی ضمنی پیش از این (ذیل شماره ب-۲) ملاحظه شد.

تقسیم ناپذیری به لحاظ ممنوعیت قانونی، آنهایی است که در مواد ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۴ و ۵۹۷ قانون مدنی در مبحث تقسیم اموال شرکت به آنها تصریح گردیده است. پایه این ممنوعیت بر منع اضرار شرکاء به گونه ای که از آن در ماده ۵۹۳ آن قانون تعریف گردیده نهاده شده است. اضرار مورد نظر قانونگذار در این مواد بر دو نوع است. یک نوع آن است که اضرار تنها متوجه یکی از شرکاء یا بعض آنهاست؛ در این حالت، تقسیم بستگی به موافقت شریک یا شرکایی دارد که ضرر متوجه او یا آنهاست. نوع دیگر آن است که تقسیم سبب افتادن کل مال مشترک یا حصه یک یا چند نفر از شرکاء از مالکیت می گردد، که در این صورت تقسیم ممنوع است، اگرچه شرکاء تراضی نمایند (ماده ۵۹۵).



## ۵. تقسیم ناپذیری در ضمان قهری

گذشته از تعهدهای قراردادی، در الزامات قهری نیز تقسیم ناپذیری مصداق دارد، مانند آنکه چنانچه چند نفر با هم مالی را غصب کنند همگی آنها در برابر مالک آن دارای مسئولیت تضامنی هستند، چنانکه اگر غصب به ترتیب باشد همه ایادی با هم ضامن اند (ماده ۳۱۶ قانون مدنی)، یا در مورد مطالبه خسارت از کسانی که با هم علیه شخصی به شکایت کیفری مبادرت جسته اند و او برائت یافته است، طبق رویه قضایی دیوان کشور وضع به همین ترتیب است. این رویه با این عبارت نقل شده است:

«اگر کسی بر اثر تعقیب جزایی از طرف چند نفر بالأخره تبرئه شود، برای مطالبه خسارت حق دارد یکی از آنان را طرف دعوی قرار دهد و مجبور نیست تمام مدعیان جزایی را طرف دعوای خسارت قرار دهد.»<sup>۶</sup>

## ۶. آثار تقسیم ناپذیری حق یا تعهد گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تقسیم ناپذیری حق یا تعهد می تواند در زمینه های گوناگون تأثیر داشته باشد. برخی از این آثار در این نوشته در تقسیم ناپذیری خیار عیب در بیع یا حق فسخ در بیع شرط یا در مورد انتقال تعهد به ورثه - هر چند به اختصار - پیش از این خاطر نشان گردید. آثار دیگر تقسیم ناپذیری را می توان در اقدام قضایی یا اجرایی علیه متعهدی که چنین تعهدی را برعهده دارد ملاحظه کرد.

۶. حکم شماره ۲۲۰ مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۲۳، شعبه اول دیوان عالی کشور. (مجموعه رویه قضایی، قسمت مدنی)، گردآورنده: احمد متین.

آثار تقسیم‌ناپذیری در اقدام قضایی در این خلاصه می‌شود که  
اولاً دارنده حق می‌تواند به جای آنکه اجرای تعهد تقسیم‌ناپذیر را از  
همگی متعهدها بخواهد، آن را از هر یک از آنها — به تشخیص خود —  
مطالبه کند؛ ثانیاً اقدام وی علیه هر یک از متعهدها به منزله اقدام علیه  
عموم متعهدها تلقی می‌شود و از حیث قواعد مرور زمان و قطع آن  
نسبت به دیگر متعهدها مؤثر محسوب می‌گردد، چنانکه در مورد حق مؤلف  
در تبصره ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان  
مصوب دی ماه ۱۳۴۸ مرور زمان راجع به این حق را در مورد آثار مشترک  
میان چند نفر، سی سال از درگذشت آخرین نفر از آنها با این عبارت قرار  
داده است:

«مدت حمایت از اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال از  
فوت آخرین پدیدآورنده اثر است.»

از دید حقوق تطبیقی، آثار تقسیم‌ناپذیری تعهد در حقوق فرانسه  
چنین خلاصه شده است:

الف. در صورت تعدد متعهد له:

۱. هر یک از آنها می‌توانند اجرای کل تعهد را مطالبه کنند.
۲. هر عمل قاطع مرور زمان از سوی هر یک از آنها در حق  
دیگران نیز مؤثر است. *تال جامع علوم انسانی*
۳. هر عاملی که سبب تعلیق مرور زمان نسبت به یکی از آنها  
گردد سبب تعلیق آن نسبت به دیگران می‌شود.
۴. هیچ‌یک از آنها نمی‌توانند از تعهدی که به نفع مجموع  
آنهاست، به گونه‌ای که سبب اضرار دیگران باشد، استفاده نمایند.

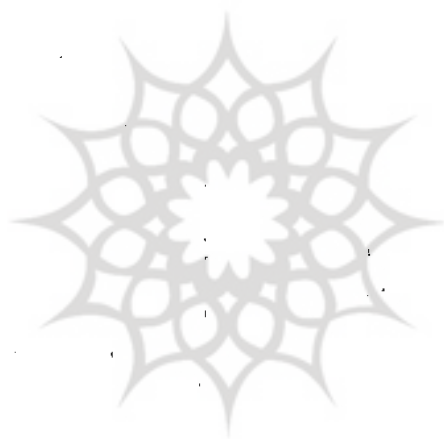
ب. در صورت تعدد متعهد:

۱. هر یک از آنها مسؤول اجرای کل تعهد است.

۲. در صورت فوت متعهد، در تعهد تقسیم ناپذیر، هر یک از ورثه نسبت به کل آن تعهد مسؤل است.
۳. قطع مرور زمان به زیان یکی از آنها سبب قطع آن علیه همگی آنها می‌گردد.
۴. پژوهش‌خواهی یکی از متعهدها حق پژوهش‌خواهی دیگر متعهدها را که زمان آن منقضی شده است زنده می‌کند.<sup>۷</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی